

# بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال تا ۱۳۳۳ش.

مهدی احمدی اختیار<sup>۱</sup>

علی رستم‌نژاد نشلی<sup>۲</sup>

## چکیده

مسئله حاکمیت بر قریه فیروزه، موضوعی بود که پس از عهدنامه آخال موجبات تنش بین ایران و روسیه تزاری را فراهم ساخت. اهمیت این قریه به حدی بود که روس‌ها عهدنامه جداگانه‌ای را برای تعیین تکلیف آن به قاجارها تحمیل و قریه مزبور را از ایران جدا کردند. با این حال، جدایی قریه فیروزه به سادگی انجام نگرفت و تا چندین دهه یاد و ذهن ایرانیان را به خود مشغول ساخت و فراموش نشد. البته، روس‌ها هم از این دلبستگی و علاقه ایرانیان بی‌خبر نبودند. شاید به همین خاطر بود که دولت بلشویکی روسیه پس از چهاردهم در عهدنامه مودت ۱۹۲۱م. ایران و شوروی مسئله استرداد فیروزه به ایران را مطرح ساخت.

با وجود تصریح فصل سوم عهدنامه ۱۹۲۱م. مبنی بر استرداد فیروزه، روس‌ها از اجرای این بند تا پایان حکومت پهلوی اول طفره رفتند. در نهایت، در عهدنامه ۱۳۳۳، دولت زاهدی در ازای دریافت مطالبات ۱۱ تن طلا از روس‌ها، از ادعای حاکمیت ایران بر فیروزه چشم‌پوشی نمود.

پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای، مسئله جدایی فیروزه از ایران و اهمیت و چگونگی این جدایی را تبیین

۱. دانشجوی دکترای تاریخ محلی دانشگاه اصفهان mae.ah1388@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای تاریخ محلی دانشگاه اصفهان Ar.arghavan@gmail.com



نماید و علت توجه فوق‌العاده دو دولت را - با وجود جدایی سرزمین‌های پهناور از ایران - نسبت به قریه فیروزه، مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، روسیه تزاری، قاجاریه، قریه فیروزه.

### مقدمه

سراغاز تهاجم جدی و توسعه طلبی ارضی تزارهای روس در ایران را می‌توان همزمان با فروپاشی دولت صفویه مشاهده نمود. هرچند ظهور نادر و جنگاوری او روس‌ها را از ایران عقب راند، این عقب‌نشینی همیشگی نبود. در نخستین سال‌های قرن نوزدهم، روسیه تزاری تهاجم گسترده به سرزمین‌های ایران را از سرگرفت و فصل جدیدی از تاریخ ایران رقم خورد. فصلی که در آن دولت مردان ناتوان و ناآگاه قاجار به هیچ وجه قادر نبودند از سرزمین و حیثیت ایرانیان در برابر امپریالیسم روسیه تزاری و دیگر استعمارگران دفاع کنند. در این میان، روس‌ها پس از اصلاحات پترکبیر، روز به روز قدرتمندتر شده بودند و در قرن نوزدهم در اوج قدرت سیاسی و نظامی خود قرار داشتند. بنابراین، طبیعی بود که میل توسعه طلبی تزارها دیر یا زود سرزمین استراتژیکی ایران را مورد هدف قرار دهد.

در این میان تحولات نظام جهانی و شکل‌گیری رقابت‌های استعماری سه جانبه بین دولت‌های بریتانیا، فرانسه و روسیه اهمیت ایران را برای روس‌ها بیشتر آشکار ساخت، زیرا سلطه بر ایران و یا حداقل حضور در آن می‌توانست وزنه بسیاری مهمی برای هر کدام از این دولت‌ها به شمار آید. هر یک از دولت‌های مزبور بر این باور بودند که با حضور در ایران، علاوه بر این که می‌توانند تهدیدهای رقبا علیه خودشان را خنثی و یا کمتر کنند، توانایی و امکان ضربه زدن بردیگری را نیز به دست می‌آورند.

از این رو، روس‌ها با به راه انداختن دو دوره جنگ، عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای را بر قاجارها تحمیل نمودند و سرزمین‌های وسیعی را در غرب دریای مازندران از ایران جدا ساختند. چند دهه بعد از عهدنامه ترکمانچای و با توجه به شرایط و تحولات سیاسی، روس‌ها بر آن شدند تا سرزمین‌های شرق دریای مازندران را نیز از آن خود کنند. این بار روس‌ها به راحتی و بدون کمترین مقاومتی از سوی قاجارها به هدف خود رسیدند و در سال ۱۲۹۹ق. / ۱۸۸۱م. عهدنامه آخال را بر ایران تحمیل نمودند. اما



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

بندهایی از عهدنامه آخال موجبات ادعاها و تنش های مرزی را بین دو کشور باقی گذاشت؛ موضوع قریه فیروزه از مهم ترین این چالش ها بود که در این مقاله به آن پرداخته می شود. فیروزه از نظر منابع آبی و موقعیت نظامی منطقه ای مهم بود که در دامنه های شمالی کوه کوپه داغ امروزی قرار دارد و تسلط ایران بر فیروزه به معنای احاطه بر آن کوه ها بود. امروزه این قریه در فاصله ۱۲ کیلومتری از خاک ایران قرار دارد و کوه کوپه داغ در خاک ترکمنستان واقع شده است که حدود ۵۰ کیلومتر با عشق آباد، پایتخت کشور ترکمنستان فاصله دارد.

### عهدنامه آخال (۲۳ محرم ۱۲۹۹ ق. / ۹ دسامبر ۱۸۸۱ م.)

روس ها با رسیدن به سرحد طبیعی ارس طی معاهده ترکمانچای، به مقاصد ارضی خود در شمال غربی ایران دست یافته بودند. اکنون وقت آن بود که توسعه طلبی خود را در سرزمین های شرق دریای مازندران ادامه دهند. آن ها با پیشروی در این مناطق امتیازهای سیاسی و اقتصادی عمده ای را به دست می آوردند. با نزدیک شدن به مرزهای هند، هم به بازارهای اقتصادی آسیا دست می یافتند و هم موقعیت انگلستان را در هند به خطر می انداختند. مهم ترین که با محاصره دریای مازندران، از ورود دیگر دول قدرتمند به آن جلوگیری می کردند و به انحصار این دریا که در عهدنامه ترکمانچای نیز بر آن پای فشرده بودند، تحقق می بخشیدند (احمدی اختیار، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

علت دیگر توجه روس ها به آسیای مرکزی و ترکستان این بود که دولت های اروپایی در جنگ های کریمه و متعاقب آن درکنگره برلین ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م. نشان دادند که به روس ها اجازه نخواهند داد متصرفات خود را در بالکان و قاره اروپا گسترش دهند. (پالمر، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۱۲۳). انگلستان رقیب آسیایی روسیه، در این زمان درگیر شورش های مستعمراتی خود بود و قادر به اقدام عملی در برابر پیشروی روس ها نبود. هرچند انگلیسی ها نشان داده بودند که بدون اتحاد با دیگر دول اروپایی، حریف نظامی دولت های قدرتمند حداقل در خشکی نیستند. به همین جهت، برابر پیشروی روس ها در این مناطق غیر از توصیه و واکنش دیپلماتیک، کار دیگری انجام ندادند. (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۳۳ - ۳۳۱ و ۱۳ - ۱۱). انگلیسی ها با جدا ساختن هرات از ایران، سلطه و



اعمال نفوذ ایران بر مرورا نیز از بین بردند، زیرا راه مواصلاتی مرو از هرات می‌گذشت و با این اقدام خود جدایی این شهر را از ایران تسریع کردند.

از سوی دیگر، دولت ایران هم قادر به اعمال نفوذ در این مناطق نبود. خوانین مرو، بخارا، خیوه و سایر نواحی ترکستان تا زمان فتحعلی شاه از دولت ایران اطاعت می‌کردند و حاکمیت ایران بر این نواحی هر چند به صورت صوری اعمال می‌شد، اما پس از شکست‌های ایران از روسیه، نفوذ مادی و معنوی ایران در این سرزمین‌ها از بین رفت و خوانین مزبور دیگر اعتنایی به حکومت ایران نداشتند و خود را مستقل می‌دانستند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۸۳). با این حال، دولت ایران حاضر به پذیرش استقلال آن‌ها نبود و چندین بار توانست سرکشی‌های آنان را سرکوب کند، تا این که در جنگ مرو ۱۲۷۷ ق. / ۱۸۶۰ م. ترکمانان شکست سختی بر قشون ایران وارد کردند (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۶۳) و از آن پس بر قاجارها مسلم شد که نمی‌توانند در این سرزمین‌ها نفوذ داشته باشند.

دولت روسیه از جنگ مرو بهره‌برداری کرد و بر شدت و سرعت حملات خود افزود. دربار و رجال ایران هم که خود را قادر به مقابله با روس‌ها نمی‌دیدند و از انگلیسی‌ها هم جوابی جز سخنان مبهم و وعده‌های توخالی دریافت نمی‌کردند، ناچار با پیشروی روس‌ها کنار آمدند. حتی روس‌ها برای تصرف سرزمین‌های ایران از امکانات و آذوقه خود ایران استفاده کردند و ناصرالدین شاه از شنیدن خبر سقوط آخال اظهار شادمانی کرد (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۶۹ - ۶۸). این چنین، عهدنامه آخال در سال ۱۲۹۹ ق. / ۱۸۸۱ م. بین ایران و روسیه منعقد شد. میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوویف (Ivan Zinoviev) وزیر مختار روسیه در تهران، به عنوان نمایندگان دو کشور، این معاهده را امضا کردند.

بر اساس فصل اول عهدنامه آخال که مفاد آن مربوط به ترسیم مرز ایران و روسیه در سرحدات شمال شرقی بود، فیروزه در درون مرزهای ایران باقی ماند. در بخشی از فصل اول قرارداد که به تحدید حدود در منطقه فیروزه می‌پرداخت، عنوان شد: «از شمال قلعه خیرآباد گذشته و در سمت شمال شرقی الی حدود کک قیتال ممتد شده از حدود کک قیتال به دربند رود فیروزه متوجه و دربند مزبور را در شمال ده فیروزه تقاطع می‌کند و از اینجا در سمت جنوب شرقی متوجه به قلال کوه‌هایی می‌شود که از طرف جنوب وصل



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

به دره‌ای است که راه عشق‌آباد و فیروزه از آن عبور می‌کند.» (اداره انتشار اسناد وزارت خارجه، ۱۳۷۲: ۱۸۴). بنابراین، در این بند از عهدنامه آخال صریحاً ذکر شده که خط مرزی از شمال ده فیروزه عبور می‌کند.

اما در فصل چهارم عهدنامه آخال، مطالب و موادی گنجانیده شد که زمینه منازعات بعدی بین ایران و روسیه را فراهم آورد و شاید روس‌ها زیرکانه این بند را برای تداوم ادعاهایشان در متن گنجانند تا دستاویزی برای تصرف دیگر مناطق خاک ایران در اختیار داشته باشند. در فصل چهارم عهدنامه ذکر شد: «چون منبع رود فیروزه و منابع بعضی رود و انهار که ایالت ماورای بحر خزر متصله به سرحدات ایران را مشروب می‌کنند در خاک ایران واقع شده است، دولت علیه متعهد می‌شود که به هیچ وجه نگذارد که از منبع الی محل خروج از خاک ایران در امتداد رود و انهار مزبوره قراء جدید تأسیس شده و به اراضی که بالفعل زراعت می‌شود توسعه داده شود [...] محض اینکه این شرط به طور صحیح اجرا و بدون تعطیل و تعلل رعایت شود، دولت ایران متقبل می‌شود که به قدر لزوم مأمورانی صحیح را برای این امر معین کند که به کسانی که از مدلول آن تخلف می‌ورزند، سیاست سختی دهد.» (همان، ۱۸۰) توسعه طلبی و طمع‌ورزی روس‌ها به همین فصل محدود نشد. قرارداد دیگری به صورت سری شش روز پس از عهدنامه آخال به امضای وزیر خارجه ایران مؤتمن‌الملک و زینوویف رسید که بر اساس فصل دوم آن، نحوه و میزان استفاده ایران از آب‌هایی که از خاک ایران سرچشمه گرفته و مناطق تحت اشغال روس‌ها را مشروب می‌ساخت، مشخص شد. (همان، ۱۹۵) با وجود این تأکیدها و تصریح‌ها، قصبه فیروزه در اشغال نیروهای روس باقی ماند و به ایران مسترد نشد. در زمان انعقاد عهدنامه آخال، هنوز راه آهن ماوراء خزر احداث نشده بود، ولی عشق‌آباد بین مرو در شرق و خلیج حسینقلی در غرب قرار داشت و تسلط بر آن برای حفظ ارتباط این دو ناحیه برای توسعه طلبی‌های آتی روس‌ها به سمت جنوب اهمیتی حیاتی داشت. بنابراین، تصرف فیروزه و کوه‌های جنوبی آن از نظر آن‌ها برای تأمین امنیت عشق‌آباد و جاده شرقی - غربی منطقه ترکمنستان مهم بود.

صرف نظر از مناقشاتی که در باب سرخس و تحدید حدود در منطقه هریرود بین ایران و روسیه وجود داشت، دولت ایران مراقب بود تا منطقه‌ای در شمال شرقی به روس‌ها واگذار نگردد و مرزها دقیقاً بر اساس متن قرارداد علامت‌گذاری شود. نگرانی دولت ایران



را از محتوای نامه‌ی ناصرالدین شاه به وزارت خارجه در سال ۱۳۰۲ ق. می‌توان درک نمود: «حالا ما باید قلمماً و قدماً خیلی به احتیاط حرکت کنیم که علاوه بر عهد سابق، اعتراف به چیز تازه نکنیم.» (همان، ۲۹۹).

از تلگراف‌هایی که میرزا ملکم خان، سفیر ایران در لندن به وزارت خارجه ارسال نمود، برمی‌آید که انگلیسی‌ها در باب توسعه طلبی روس‌ها در شمال شرقی و نزدیک شدن به سرحدات هرات، نگران بودند و دائماً اقدامات رقیب استعمارگر را زیر نظر داشتند. با اقدامات دیپلماتیک و اعتراض‌های کتبی به پترزبورگ، نارضایتی خویش را نشان می‌دادند. (مراسلات در باب آسیای مرکزی، ۱۳۷۳: ۸۵ به بعد). هم‌چنین این امر در یکی از گزارش‌های وزارت خارجه به شاه در سال ۱۳۰۲ ق. در باب سرخس انعکاس یافته است (اداره انتشار اسناد وزارت خارجه، ۱۳۷۲: ۳۰۷). با وجود تصریح مالکیت ایران بر فیروزه در عهدنامه آخال، روس‌ها حاضر به استرداد فیروزه نبودند و دائماً با نقشه برداری و بررسی موقعیت جغرافیایی منطقه، بر حفظ آن اصرار می‌کردند. حتی گهگاهی مهندسان نقشه بردار روس بدون اجازه دولت ایران وارد مناطق سرحدی می‌شدند، به خصوص در منطقه خیرآباد و رباط که فاصله اندکی با فیروزه داشتند. از محتوای یک سند برمی‌آید که وزارت خارجه در باب اجازه فعالیت نقشه برداران روسی که در رباط و خیرآباد ساکن شدند، از شاه کسب تکلیف کرد. شاه هم بدون توجه به اهمیت مناطق سرحدی، البته به اکراه و با توجه به حضور مهندسان، جواز لازم را صادر نمود (همان، ۳۰۹). این بی‌توجهی‌ها در نهایت منجر به عقد مقاله‌نامه‌ای در تاریخ ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۱۰ / ۲۷ می ۱۸۹۳ بین ایران و روسیه منحصراً در باب فیروزه گردید. بر اساس آن، حکومت ایران رسماً تسلط روس‌ها بر فیروزه را پذیرفت. این مقاله‌نامه به امضای صدراعظم ایران میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان و بوتزوف سفیر روسیه رسید.

بر اساس فصل اول، مقاله‌نامه فوق «اعلی حضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و از طرف وزات خود قریه سرحدی فیروزه و تمامی محلی که واقع است مابین سرحد مقرر ۱۸۸۱ [آخال] و خطی که از کوه کناره به طرف درّه بیز ممتد است به اعلی حضرت امپراطور کل ممالک روسیه واگذار می‌کند» (اداره انتشار اسناد وزارت خارجه، ۱۳۷۲: ۳۱۹ و وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۱۴۷). بر اساس فصل دوم مقاله‌نامه، در ازای واگذاری فیروزه، دو منطقه به ایران مسترد گردید: «قطعه زمینی که در ساحل راست رودخانه ارس و



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

محازی قلعه قدیم عباس آباد واقع بود و به موجب فصل چهار عهدنامه ترکمانچای مورخه دهم فوریه ۱۸۲۸ به دولت روسیه واگذار شد» و «ده حصار با قطعه زمینی که مابین سرحد حالیه [...] واقع است» (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۱۴۷).

در فصل ششم عهدنامه مذکور نیز مقرر گردید سکنه دهات فیروزه به خاک ایران و سکنه حصار به خاک روسیه کوچانده شوند. هم چنین در نقاط معاوضه شده قلاع و استحکامات بنا نکنند و ترکمن نشانند (همان، ۱۴۸). قریه حصار در فاصله حدود سی کیلومتری از شهر درگز قرار داشت و از لحاظ موقعیت استراتژیک و طبیعی به پایه فیروزه نمی رسید.

تصرف فیروزه چنان برای روس ها اهمیت داشت که برای تکمیل و تأیید استیلائی قطعی بر آن منطقه و دیگر نقاطی که از ایران جدا نموده بودند، در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۱۱ / ۱۸۹۴ با امضای دو پروتکل مرزی که نقشه های سرحدی ایران و روسیه ضمیمه آن بود، بر توافق های قبلی در باب مناقشات مرزی صحه گذاشتند. این دو پروتکل به امضای محمدصادق خان قاجار امین نظام امیرتومان و ایتامازور یود پوکلونیک و ادوارد فون قلدوت رسید. (اداره انتشار اسناد وزارت خارجه، ۱۳۷۲: ۳۲۲ و ۳۲۳). این نمایندگان یا کمیسرها بر اساس فصل چهارم مقاله نامه، مأمور شده بودند نقاط سرحدی مذکور در مقاله نامه را تحویل دهند و تحویل بگیرند و علامات سرحدی را نصب کنند. بنابراین، پس از ترسیم نقشه و علامت گذاری در روی زمین، فیروزه به طور قطعی به خاک روسیه منظم گردید و ایران از دعوای خود بر این منطقه دست برداشت.

### عهدنامه مودت ایران و شوروی (۸ اسفند ۱۲۹۹ / ۲۶ فوریه ۱۹۲۱)

پس از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه، اولین اقدام رسمی دولت شوروی برای ایجاد رابطه با ایران، ارسال یادداشتی به امضای تروتسکی مورخ اول ربیع الثانی ۱۳۳۶ / ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸، برای دولت ایران به ریاست مستوفی الممالک بود. که بر اساس آن روس ها ضمن انحلال قرارداد ۱۹۰۷ م. با انگلیس، برای لغو کلیه امتیازهایی که در زمان حکومت تزاری از ایران کسب کرده بود، اعلام آمادگی کردند (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۶۸). نیکلابراوین (Bravine) سفیر دولت انقلابی روس در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ وارد تهران شد و



الغای امتیازات تزاری را در روزنامه‌های ایران اعلام کرد و طی نامه‌ای به وزارت خارجه، دولت ایران را از الغای آن‌ها باخبر نمود (مکی، ۱۳۶۳: ۲۵۲). اما به دلایلی از قبیل نفوذ انگلیسی‌ها در هیئت حاکمه ایران، تلاش‌های فن اتر (Von etter) سفیر روسیه تزاری که سفارتخانه را در اختیار داشت و ترس هیئت حاکمه ایران از سقوط دولت انقلابی که از هر طرف با هجمه مواجه بود، باعث عدم شناسایی نماینده حکومت انقلابی شد (مستوفی، ۱۳۴۳: ج ۳، ۱۳۲). بنابراین، فرصت طلایی ایران برای لغو عهدنامه‌ها و امتیازهای روسیه تزاری از دست رفت.

پس از عقد معاهده برست لیتوفسک ۳ مارس ۱۹۱۸ (Brest - litovsk) که در آن روس‌ها ملزم شده بودند نیروهای خود را از ایران خارج کنند، دومین یادداشت<sup>۱</sup> رسمی دولت شوروی از طرف معاون وزیر خارجه در ۲۷ رمضان ۱۳۳۷ / ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ برای دولت و ثوق الدوله فرستاده شد. براساس آن، روس‌ها حاضر بودند از تمامی امتیازهای سیاسی - اقتصادی که در ایران کسب کرده بودند، دست بردارند. این یادداشت در واقع پیش درآمد قرارداد ۱۹۲۱ بود، زیرا اکثر مواد مندرج در یادداشت فوق در عهدنامه مودت گنجانیده شد. اما دولت و ثوق الدوله با عقد قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیس به هیچ وجه مایل به شناسایی حکومت انقلابی شوروی نبود و حتی برای جلوگیری از نفوذ کمونیست‌ها در ایران، در صدد بود قراردادهای جداگانه‌ای با جمهوری‌های قفقاز برقرار کند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ج ۴، ۱۳۴).

با برکناری و ثوق الدوله و تشکیل کابینه مشیرالدوله در رمضان ۱۳۳۸ / ژوئن ۱۹۲۰ سیاست سنتی ایران در قبال همسایه شمالی و انگلیسی مبنی بر ایجاد موازنه قوا، دوباره پیگیری شد. مشیرالدوله در صدد بود «موازنه را که به عللی چند مختل شده بود مجدداً برقرار سازد.» (مکی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۷۲). به همین منظور، علیقلی خان انصاری ملقب به مشاور الممالک، سفیر ایران در ترکیه به عنوان مأمور تام‌الأختیار برای برقراری روابط سیاسی - اقتصادی و عقد یک عهدنامه مودت، به مسکو اعزام شد. از آنجا که برای دولت انقلابی روسیه، مهم‌ترین مسئله شناسایی آن دولت از طرف کشورهای همسایه بود، فرصت بسیار مناسبی برای دولت ایران به دست آمد تا بدین وسیله اقدام به لغو

۱. برای اطلاع از متن کامل یادداشت، رک: نوازی، بهرام (۱۳۶۹). عهدنامه مودت، صص ۸۰، ۸۲.





بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

پیاپی ۳. بهار ۱۳۹۴ / سال سوم. شماره سوم

قراردادها و امتیازهای استعماری روس‌ها بنمایند. در طول زمان صدارت مشیرالدوله و سپهدار، نماینده تام‌الاختیار ایران مشغول مذاکره با روس‌ها بود و سرانجام در روز ۸ اسفند ۱۲۹۹ / ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ تنها چند روز پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ عهدنامه مودت به امضای مشاورالممالک و چیچرین رسید.

قرارداد ۱۹۲۱ با جرح و تعدیل‌های اندکی در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۰۰ / ۱۴ دسامبر ۱۹۲۱ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید. عهدنامه مودت در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۰۱ / ۷ ژوئن ۱۹۲۲ تحت شماره ۲۶۸ به ثبت دبیرخانه جامعه ملل رسید و در نتیجه تمامی مراحل قانونی یک عهدنامه معتبر سپری شد. (نوازی، ۱۳۶۹: ۱۴۷)

فصل سوم عهدنامه مودت درباره تعیین مرزهای ایران و شوروی بود که براساس آن، دو طرف در مناطق شمال شرقی ایران بر سر مواد مندرج در عهدنامه ۱۸۸۱ م. یا آخال توافق کردند. در ادامه این فصل، لغو کامل قرارداد ۱۸۹۳ م. به صراحت بیان شد که در نتیجه جزیره آشوراده و قریه فیروزه به ایران مسترد می‌گردید.

۱۶۳

متن کامل فصل سوم بدین صورت است: «دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت می‌دهند که سرحد مابین ایران و روسیه را مطابق تعیین کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند. ضمناً به واسطه عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتفاع از جزائر آشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استرآباد ایران واقع می‌باشند، صرف نظر کرده و هم چنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه انتقال داده شده است، به ایران مسترد می‌دارد. دولت ایران از طرف خود رضایت می‌دهد که شهر سرخس معروف به سرخس روس یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به رودخانه سرخس می‌شود، در تصرف روسیه باقی بماند.

طرفین معظمین متعاهدین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مساله انتفاع از آب‌های سرحدی و برای حل کلیه مسایل متنازع فیهای سرحدی و اراضی یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.» (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۵۴). بنابراین «هنگامی که هیچ یک از دول دنیا حاضر نبودند دولت بلشویکی لنین را به رسمیت بشناسند، دولت ایران اول کسی بود که آن را به رسمیت شناخت.» (منشور



گرگانی، ۱۳۶۸: ۲۰۸). بدین ترتیب، در طول دوران روابط ایران و روس در عصر جدید این بهترین فرصت بود تا در ازای شناسایی حکومت روسیه، بخشی از منافع ملی از دست رفته در دوران تزارها اعاده گردد.

پس از انعقاد عهدنامه دولت شوروی به سرعت سرخس کهنه را مطابق قرارداد تصرف کرد و در استرداد فیروزه به ایران تعلل نمود. برای روس‌ها اهمیت استراتژیک فیروزه کاملاً مشخص بود. حاکمیت ایران بر فیروزه مساوی بود با استقرار نیروهای ایران در کوه‌های کوپه داغ. این کوه‌ها کاملاً بر شهر عشق‌آباد مشرف می‌باشند. عشق‌آباد در دوره مورد بحث ایستگاه بزرگ راه‌آهن سیبری در ترکستان بوده و در مرکز جاده‌ای مهم قرار داشت که خلیج حسینقلی در غرب را به شهر با اهمیت سرخس و مرود در شرق متصل می‌نمود. تسلط بر این راه مهم و حفظ امنیت آن برای روس‌ها در رقابت‌های آتی آن‌ها با انگلستان در افغانستان و خراسان اهمیت حیاتی داشت. علاوه بر این «این قصبه دارای قراء و قصبات متعدد و به واسطه رودخانه فیروزه [...] پرجمعیت و حاصلخیز است [...] که جمعاً حدود بیست هزار نفر جمعیت دارند.» (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۲۰۸).

به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی عدم استرداد فیروزه، تعلل اولیای امور ایران در اعمال حق حاکمیت بر فیروزه بود. زیرا روس‌ها بلافاصله پس از امضای قرارداد با استناد به فصل ۲۶ قرارداد مودت «عهدنامه بعد از امضاء فوراً اجرا خواهد شد» سرخس کهنه را تصرف کردند. در زمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه در سوم فروردین ۱۳۰۱ ش. ایران اقدام به فرستادن مأمور گمرکی به فیروزه نمود، ولی روس‌ها به وی اجازه ورود به فیروزه را ندادند و حتی عده‌ای سرباز از ارتش سرخ عشق‌آباد را به فیروزه اعزام کردند. با وجود اعتراض کتبی قوام‌السلطنه به سفارت شوروی در ۲۲ مرداد ۱۳۰۱، سفارت شوروی تنها به صورت شفاهی پاسخی مبنی بر کسب تکلیف در این باب از مسکو بیان کرد (منشورگرگانی، ۱۳۶۸: ۲۰۹). از سوی دیگر، مأموران شوروی به طور خصوصی اظهار داشتند، فیروزه تنها نقطه بیلاقی عشق‌آباد است، ولی در خاک ایران نظایر آن فراوان وجود دارد، این نقطه را با محل دیگری تعویض کنید (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۲۳۳). تیرگی روابط شوروی با دولت قوام‌السلطنه در آذر سال ۱۳۰۱ در باب مسائل تجارت، شیلات و تأسیس بانک روس در ایران شدت یافت و مسئله فیروزه در هیاهوی ناشی از مسایل بزرگ‌تر گم شد. شوروی به سبب اقدامات قوام در استرداد فیروزه و نپذیرفتن شرایط قرارداد تجاری با کابینه وی



مخالف بود. کابینه قوام در ۵ بهمن ۱۳۰۱ سقوط کرد، مذاکرات ایران و شوروی در باب مسایل حاد تجاری در کابینه مستوفی‌الممالک هم به نتیجه نرسید و روس‌ها حاضر به اجرای مفاد تجاری (فصل بیستم) مندرج در عهدنامه ۱۹۲۱، استرداد انزلی (فصل ۱۰) تجدید قرارداد شیلات و استرداد فیروزه نبودند.

روزنامه ایران در شماره ۱۱ مهر ۱۳۰۲ در مقاله‌ای مفصل، عدم اجرای مفاد صریح عهدنامه ۱۹۲۱ توسط شوروی را مورد انتقاد قرار داد: «آقایان بلشویک در ابتدای کار چون هیچ دولتی به آن‌ها اعتنا نمی‌کرد [...] قرارداد معروف ۱۹۲۱ را با ایران منعقد کردند [...] و اولین فایده‌ای را که تحصیل کردند شناختن حکومت سویت از طرف ایران بود [...] رژیم فعلی روسیه پس از عقد قرارداد همین‌که پای عمل به میان آمد هرکدام از مؤسسات صنایع و بی‌مصرف از قبیل بانک استقراضی را [...] تحویل دادند ولی هرکدام که فایده‌ای دارد از قبیل پرت انزلی یا قصبه فیروزه امثال آن را در تصرف خود نگاه داشته با مطالبه مکرر و مراسلات عدیده دولت حاضر به تحویل دادن نشد [...] این است اقوال و تعهدات و رفتار این آقایان طرفداران رنجبر» (روزنامه ایران، ۱۳۰۲، مهر، شماره ۱۱). نظرات بیان شده در روزنامه ایران دقیقاً مطابق واقع بود و دولت جدید روسیه در عمل ثابت نمود که تنها ادعای حمایت از ملت‌های ضعیف و رنجبر را داشت و در عمل سیاست‌های استعماری و استثمارگری در مقابل ملل شرق را حتی قوی‌تر از دولت تزاری ادامه داد.

دولت شوروی در ازای فیروزه تقاضای انعقاد مجدد قرارداد شیلات شمال را نمود و در واقع فیروزه دستاویزی برای فشار به ایران جهت عقد قرارداد شیلات بود. هرچند در عمل روس‌ها با سوء استفاده از ضعف ساختار اداری اقدام به صید ماهی بر اساس امتیازنامه لیانازوف می‌کردند و حتی بدون پرداخت عوارض و گمرک اقدام به حمل آن‌ها به شوروی می‌نمودند. سردار سپه پس از نخست‌وزیری با اطلاع از نیت روس‌ها و توجه آن‌ها به قصبه فیروزه جهت تحکیم پایه‌های قدرت خویش و برای جلب نظر روس‌ها از تعقیب استرداد فیروزه خودداری کرد. همین تعلل‌ها و فرصت‌طلبی‌های داخلی، استرداد فیروزه را به تعویق انداخت و در نهایت حق حاکمیت ایران بر آن به طور کلی از جانب روس‌ها نادیده گرفته شد. اگرچه روابط ایران و شوروی پس از عهدنامه ۱۹۲۱ تا پایان حکومت قاجار به دلیل استنکاف روس‌ها از اجرای آن بخشی از مواد معاهده که منافع ملی ایران را در بر می‌گرفت، دچار تنش‌های جدی بود، ولی مندرجات عهدنامه به‌عنوان مبنای



حل مناقشات مورد استناد بود و به مبدأ و مبنایی برای حل مناقشات و اختلافات ایران و شوروی در عصر پهلوی تبدیل شد.

### فیروزه در عصر پهلوی اول

با تصویب لایحه خلع قاجاریه و سپردن موقت حکومت به رضاخان سردار سپه در ۹ آبان ۱۳۰۴/۳۱ اکتبر ۱۹۲۵، شوروی پس از انگلستان حکومت وی را به رسمیت شناخت. شوروی از ابتدای کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، از رضاخان حمایت کرد. روس‌ها وی را «نماینده نیروهای ناسیونالیسم دانستند و اظهار داشتند که وی می‌تواند با ایستادگی کامل، استقلال ایران را در برابر تسلط استعماری بریتانیا حفظ کند.» (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۴). با توجه به این دیدگاه، گام اول برای برقراری روابط دوستانه جهت حل مناقشات مرزی برداشته شد و اولین قرارداد بین ایران و شوروی در عصر پهلوی اول در اول اسفند ۱۳۰۴/۲۰ فوریه ۱۹۲۶ منعقد گردید. در کمیسیون مختلط جهت عقد قرارداد میرزا سید احمدخان معظمی، حمیدخان سیاح و میرزا محمد معصوم خان معصوم‌خانی از جانب ایران و آلکساندر فیودورویچ (Alexander Fyodorovich) و ایوان اریستویچ (Ivan Aristovich) از جانب شوروی حضور داشتند. شایان ذکر است، این کمیسیون‌ها از ۱۸ مهر ۱۳۰۳/۱۰ اکتبر ۱۹۲۴ آغاز شده بودند و در ۱ اسفند ۱۳۰۴/۲۰ فوریه ۱۹۲۶، به نتیجه نهایی رسیدند.

کمیسیون فوق براساس فصل سوم عهدنامه مودت تشکیل شد. بخشی از مندرجات فصل سوم به این شکل است: «طرفین معظمتین متعاهدین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئله ارتفاع از آب‌های سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و اراضی، یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد.» (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۵۴). در سومین جلسه کمیسیون مشترک که براساس فصل سوم عهدنامه مودت تشکیل گردید، میرزا احمدخان معظمی کارگزار کل خراسان و سیستان و حمیدخان سیاح از ایران با الکساندر فیودورویچ در باب نحوه استفاده از آب رود فیروزه در ۳۰ آبان ۱۳۰۴/۲۱ نوامبر ۱۹۲۵ به این شکل توافق کردند که «تمام آب رود فیروزه بعد از رفع حوائج قریه فیروزه برای استفاده قراء متعلقه به اتحاد جماهیر اجتماعی شوروی واقع



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

در زیر فیروزه جاری خواهد بود.» (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۷۳). همین توافق در ماده ۱۳ قرارداد سرحدی استفاده از آبها (اول اسفند ۱۳۰۴ / ۲۰ فوریه ۱۹۲۶) گنج‌نایده شد. در ماده سیزدهم قرارداد آمده است: «تمام آب رود فیروزه بعد از رفع احتیاجات قریه فیروزه برای استفاده قراء جماهیر متحده اجتماعی شوروی واقع پایین تر از قریه فیروزه خواهد بود.» (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۶۸). بنابراین، روس‌ها بر اساس این ماده به طور صریح حاکمیت ایران بر قریه فیروزه را به رسمیت شناختند. با وجود اطلاع اولیای دولت ایران و اقدامات عملی که در اجرای فصول عهدنامه ۱۳۰۴ برداشته شد، هیچ اقدام عملی از جانب ایران برای استرداد فیروزه صورت نگرفت. این قرارداد بیشتر برای حل اختلاف‌های مرزی از بابت استفاده از رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی از رودخانه هریرود تا دریای مازندران منعقد شد. بر اساس گزارش مورخ فروردین ۱۳۰۵ ش. از علی قلی خان، سپاهی مهندس که از طرف ایران مأمور اجرای مفاد قرارداد بود: «سهمی که برای ایران [از آب‌ها] معین شده است بیش از نصف آب‌هاست و تصور نمی‌کنم ممکن شود قراردادی بهتر از آنچه بسته شده است، بتوان تدوین نمود.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۵۷). با وجود این، اولیای دولت ایران برای اعاده فیروزه اقدامی انجام ندادند.

با وجود این‌که در اکثر دعاوی، استناد ایران برای استرداد فیروزه به مفاد عهدنامه مودت بود، ولی در مناطقی که منافع روس‌ها تأمین نمی‌شد، از اجرای مواد قرارداد استنکاف می‌ورزیدند. کارگزار استرآباد این مسئله را به طور صریح در اسفند ۱۳۰۴ ش. به وزارت خارجه گزارش نموده است. «مأمورین شوروی با پروتکل سرحدی سنه ۱۸۸۱ به کلی مخالف و مقصودشان این بوده است که به هر وسیله که برای آنها ممکن باشد [...] نقاط متنازع فیه [در محدوده اترک و خلیج حسینقلی] را جزء خاک روسیه قرار داده، تصرف کنند.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۸۱). از گزارش اداره دوم سیاسی وزارت خارجه در سال ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م. برمی‌آید که اختلاف‌های سرحدی ایران و شوروی بر سر مسایل زیر بود:

الف) در سرحد آذربایجان شامل حدود مغان و رودخانه آستارا که به دلیل تغییر مسیر آن، روس‌ها به برخی نقاط تجاوز کرده بودند.

ب) در سرحد خراسان شامل سرحد رود اترک، سرخس و استرداد فیروزه. (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۹).



عهدنامه تأمینیه و بی‌طرفی در ۸ مهر ۱۳۰۶ / اول اکتبر ۱۹۲۷ در هشت فصل بین ایران و شوروی منعقد گردید. در فصل اول آن آمده است: «اساس روابط مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ است که تمام مواد و مقررات آن معتبر مانده و شامل تمام خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌باشد.» (وحیدمازندرانی، ۱۳۴۹: ۸۳).

برای حل مناقشات مرزی و تجاوزات اتباع روسی در مناطق مرزی در سفیر ایران محمد ساعد در ۲۶ دی ماه ۱۳۱۲ / ۲۶ ژانویه ۱۹۳۴ با کاراخان معاون کمیساریای خارجه گفت و گو نمود و از اجرا نشدن فصل‌های قراردادهای مختلف اعتراض نمود. کاراخان مشغله‌های متعدد مقامات شوروی را دلیل تأخیر مذاکرات و رسیدن به راه حل نهایی عنوان نمود. گزارش محرمانه محمد ساعد در پیوست‌نامه وزیر خارجه باقر کاظمی به نخست‌وزیری ارسال شد (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۲). در مجموعه گزارش‌های سفیر ایران در شوروی با مقامات وزارت خارجه شوروی - تا آبان ۱۳۱۳ متوالیاً در جریان بود - با وجود این‌که در باب بسیاری از مناطق سرحدی صحبت شد، اسمی از فیروزه به میان نیامد و تنها به صورت کلی در باب رفع اختلاف‌های سرحدی مذاکره گردید (اسناد شماره ۴۵ تا ۵۷ مندرج در: اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۸۱ به بعد).

در سال ۱۳۱۴ / ۱۹۳۵ پاستوخف، سفیر شوروی با اختیار تام از جانب دولت متبوع خویش برای رفع اختلاف‌های سرحدی با ایران وارد مذاکره با وزیر خارجه ایران باقر کاظمی گردید. اولین مذاکرات در ۶ فروردین ماه / ۲۷ مارس در وزارت خارجه ایران صورت گرفت و برای اولین بار پس از عهدنامه ۱۹۲۱ در باب تملک فیروزه از سوی ایران، بحث و مذاکره گردید. گزارش کامل مذاکرات که وزارت خارجه به نخست‌وزیری ارسال کرد، حاکی از آن است که سفیر شوروی اظهار داشت: «در قسمت مغان منظور دولت ایران را اجرا و خط سرحدی را [...] اصلاح و اراضی لازمه را به دولت ایران واگذار کند، دولت ایران هم رضایت بدهد که خط سرحد در قسمت ماوراء بحر خزر و ترکستان به وضعیت فعلی خود بماند و فیروزه که مطابق عهدنامه ۱۹۲۱ به ملکیت دولت ایران شناخته شده به دولت شوروی مسترد گردد.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۹۳). سفیر شوروی عنوان نمود که اختیاراتش مربوط به رفع اختلاف در حد مغان است و اساساً دولت شوروی اختلافی در قسمت شرقی دریای مازندران تصور نمی‌کند. «مبنای



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

کار ما عهدنامه ۱۹۲۱ است که در آنجا ذکر شده قسمت شرقی بحر خزر بر طبق کمیسیون سرحدی ۱۸۸۱ تعیین می شود. (همان، ۱۹۴). در ادامه، سفیر عنوان نمود که خط مرزی فعلی همان است که در عهدنامه ۱۸۸۱ درج گردید. این بیانات سفیر دروغی آشکار بود، زیرا اگر اساس حل مناقشات بر توافق های قرارداد ۱۹۲۱ قرار می گرفت، در فصل سوم آن صریحاً استرداد فیروزه به همراه آشوراده به ایران درج گردید. آشوراده اندکی پس از عهدنامه ۱۹۲۱ به ایران مسترد گردید، ولی در باب فیروزه روس ها اشکال تراشی می کردند. حتی بر اساس فصل سوم عهدنامه ۱۹۲۱، تعیین خطوط سرحدی باید بر اساس توافق های ۱۸۸۱ (عهدنامه آخال) صورت می گرفت. در این صورت، فیروزه در خاک ایران قرار می گرفت. در فصل سوم جمله صریحی مبنی بر لغو قرارداد ۱۸۹۳ ایران و روسیه به این شکل مندرج گردید: «همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاور آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه انتقال داده شده است، به ایران مسترد می دارد.» (وحیدمازندرانی، ۱۳۴۹: ۱۵۴).

در اولین نشست حل مناقشات، سخنان سفیر روس ضد و نقیض بود و این امر حاکی از آن بود که روس ها به هیچ عنوان حاضر به بازپس دادن فیروزه نیستند. زیرا سفیر در ادامه گفتگو با وزیر خارجه عنوان نمود: «فیروزه را دولت ایران در مقابل حصار و نیم دایره عباس آباد به دولت تزاری سابق واگذار کرده بود. اگر بنا شود فیروزه را دولت ایران مطالبه کند، قریه حصار و عباس آباد را هم به دولت شوروی باید پس دهند.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۹۴). این سخنان سفیر نقض آشکار فصل سوم عهدنامه مودت بود. وزیر خارجه ایران با استناد به سخنان سفیر، قرارداد ۱۸۸۱ را در باب اترک مطرح نمود و تذکر داد که: «طرز تعیین خط سرحدی بر اساس عدالت نبوده و دولت شوروی هم متوجه قضیه هست و این که در عهدنامه ۱۹۲۱ اشاره به ۱۸۸۱ شده مقصود این بوده که، از اجحافات که بعد در ۱۸۸۳ به عمل آمده، صرف نظر شود.» (همان، ۱۹۵). اما نظر سفیر این بود که در ازای حل اختلافات سرحدی در قسمت مغان و تأمین نظر دولت شاهنشاهی ایران در مرزهای شمال غربی، دولت ایران نیز از مسئله اترک و فیروزه در قسمت شمال شرقی صرف نظر نماید.

در دومین جلسه مذاکرات که در ۲۸ فروردین ۱۳۱۴ / ۱۸ آوریل ۱۹۳۵ صورت گرفت، وزیر خارجه ایران اظهار داشت در صورتی که نظر ایران در اترک و مغان تأمین گردد:



«دولت ایران ممکن است از دعاوی خود نسبت به سایر نقاط سرحدی قسمت خراسان یعنی سرخس و غیره چشم پوشیده و قریه فیروزه را هم که موجب عهدنامه ۱۹۲۱ حق مسلم دولت ایران است، به دولت شوروی واگذار کند.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۹۶). بنابراین، ایران حاضر شد با تأمین نظرایران در سرحد اترک و مغان، از فیروزه چشم پوشی کند، ولی گویا برای روس‌ها فیروزه به اندازه سرحد اترک مهم بود و باوجود دیدار وزیر خارجه ایران با لیتونیف - کمیسرو وزارت خارجه شوروی - در ژنو که در خرداد ماه ۱۳۱۴ صورت گرفت، روس‌ها حاضر به معامله برطبق شرایط ایران نشدند و اصلاً به نظر آن‌ها اختلافی در سرحد اترک و فیروزه متصور نبود. مجموع مذاکرات بی نتیجه بود و نظر ایران در حد اترک و مغان تأمین نشد و فیروزه همچنان در دست روس‌ها باقی ماند.

مذاکرات در سال ۱۳۱۶ نیز تداوم یافت. براساس محتوای نامه وزیر خارجه به سفیر ایران در شوروی، دولت ایران حاضر بود در ازای الغای ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۲۱ - عدم اعطای امتیازات مسترد شده به ایران به اتباع هیچ دولت ثالثی - از فیروزه چشم پوشی کند: «تعیین خط سرحدی برفوق مطلوب دولت شوروی، برای دولت شاهنشاهی بی اشکال نیست و در مقابل [...] تفویض فیروزه به دولت مشارالیها، لاقلاً باید عوضی به ما بدهند تا بتوان افکار عامه و مجلس شورای ملی را تا اندازه‌ای قانع نمود. از جمله خیلی به موقع است که علاوه بر فصل شش، موافقت کنند فصل ۱۳ عهدنامه مزبور را هم لغو نماییم.» (اسناد روابط ایران و شوروی، ۱۳۷۴: ۱۹۸). بنابراین، در ازای لغو ماده ۱۳ از فیروزه چشم پوشی می شد تا دولت ایران بتواند امتیاز نفت شمال را بدون درگیری و ایجاد تنش با روس‌ها به شرکت‌های امریکایی واگذار کند. در ۲۷ دی ۱۳۱۴ علی اکبر داور وزیر مالیه دولایحه واگذاری امتیاز نفت در بخشی از شرق و شمال کشور به شرکت نفت ایران و امریکا را به مجلس برد و در ۱۵ و ۱۸ بهمن همان سال به تصویب رسید. روس‌ها بر اساس فصل ۱۳ قرارداد مودت، اعطای امتیاز ملغی شده به دولت ثالث را به شدت مورد اعتراض قرار دادند. در مقابل، وزارت خارجه ایران نیز پاسخ داد که امتیاز کویر خوریان و مناطقی از مازندران که مورد استناد آنهاست به تصویب مجلس نرسیده و دارای اعتبار قانونی نیستند (طاهراحمادی، ۱۳۸۴: ۴۹). بنابراین، سرنوشت استرداد فیروزه به ایران با مسأله پراهمیت نفت شمال ایران گره خورد و حتی چشم پوشی دولت ایران از فیروزه،





روس‌ها را جهت الغای ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۲۱ راضی نمی‌کرد، زیرا آن‌ها به مدت حدود ۳۵ سال بر فیروزه چنگ انداخته و در تار و پود آن به اندازه کافی نفوذ کرده بودند، فیروزه طعمه ناچیزی برای روس‌ها در ازای لغو ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۲۱ بود. روابط ایران و روسیه به علت کارشکنی‌های روس‌ها در حل مناقشات مرزی و مسایل ناشی از نفت شمال، تیره گردید. تلاش دیپلماتیک دو طرف تنها برای رفع موانع به وجود آمده ادامه داشت و اختلاف‌های مرزی نادیده و انگاشته شد. تنها سه روز پس از آغاز جنگ جهانی دوم (۹ شهریور ۱۳۱۸ / اول سپتامبر ۱۹۳۹) دولت ایران ضمن انتشار اعلامیه‌ای، بی‌طرفی خود را اعلام نمود. به دلیل حساسیت منطقه خزر و موقعیتی که ایران می‌توانست در جنگ داشته باشد، ایران و شوروی در ۵ فروردین ۱۳۱۹ / ۲۵ مارس ۱۹۴۰، بنا بر ضرورت‌های ناشی از جنگ «پیمان بازرگانی و بحریمائی» را امضا کردند. هرچند به نظر می‌رسد هدف اصلی از انعقاد این پیمان رفع موانع بازرگانی و گمرکی بین ایران و شوروی بود، بر اساس فصل سیزدهم هدف اصلی روس‌ها تأکید بر اصل یازدهم مندرج در عهدنامه ۱۹۲۱ در باب کشتی‌رانی در دریای مازندران بود. در فصل سیزدهم آمده است: «طرفین معاهدتین بر طبق اصولی که در عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری متحده سوسیالیستی شوروی روسیه اعلام گردیده است، موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هائی جز کشتی‌های متعلق به ایران یا به اتحادیه جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می‌نمایند، نمی‌توانند وجود داشته باشند.» (وحید مازندرانی، ۱۳۴۹: ۱۰۸). دولت ایران می‌توانست در این شرایط روس‌ها را تحت فشار قرار دهد و دوباره به طرح دعاوی در باب سرخس، فیروزه، اترک و مغان پردازد. ولی گویا هراس از هجوم روس‌ها، بر آسمان دیپلماسی ایران سایه افکنده بود. بنابراین، در هیاهوهای ناشی از تحولات بین‌المللی ناشی از جنگ جهانی دوم و سپس اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، مسائلی به ظاهر کم‌اهمیتی مانند استرداد منطقه با اهمیت فیروزه به ایران فراموش شد. روس‌ها در هنگام اشغال ایران به فصل ششم عهدنامه ۱۹۲۱ استناد کردند که «هرگاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی بر ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات



دولت جمهوری شوروی روسیه یا متحدین آن را تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتوانست این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد کند تا این که برای دفاع از خود اقدام‌های لازم نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است پس از رفع خطر، بلادرنگ قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.» (وحیدمازندرانی، ۱۳۴۹: ۵۵). حتی اگر این فصل هم در عهدنامه ۱۹۲۱ گنج‌انیده نشده بود، روس‌ها دستاویز دیگری برای تصرف خاک ایران آماده می‌کردند. استناد روس‌ها به عهدنامه‌ای بود که آن‌ها به مدت بیست سال از انجام فصول مصرح آن در باب مناطق مرزی طفره رفتند. به خصوص منطقه مهم و با اهمیت فیروزه را به دلایلی مبهم و غیرقانونی، در اشغال خود نگه داشتند.

### سرنوشت نهایی فیروزه (پهلوی دوم)

پس از سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران توسط قوای متفقین، اختلاف‌های سرحدی ایران و روسیه به خصوص قریه فیروزه، تحت الشعاع مسایل ناشی از جنگ جهانی دوم قرار گرفت و مشغله‌های سیاسی دیگری چون تخلیه ایران از قوای روس، مسئله نفت شمال، قضیه آذربایجان و کردستان و جنبش ملی شدن نفت، مجالی برای پرداختن به مباحثی هم چون فیروزه، که دارای اهمیت کمتری نسبت به مسایل فوق بود، باقی نگذاشت. با استقرار دولت کودتای زاهدی، با طرح دعاوی ایران مبنی بر استرداد طلب ۱۱ تن طلای ایران از شوروی، روس‌ها دوباره مسئله فیروزه را به میان آوردند. در واقع، روس‌ها با فرصت‌طلبی ناشی از شرایط سیاسی و اقتصادی، دولت ایران را در تنگنا قرار داده و پرداخت طلب ایران را منوط به چشم‌پوشی ایران از فیروزه عنوان کردند. پس از مذاکرات نه چندان طولانی «موافقت نامه مسایل مرزی و مالی» بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۳۳ / ۲ دسامبر ۱۹۵۴ به تصویب رسید.

در قرارداد جدید، فصول منعقد در عهدنامه ۱۹۲۱ در باب فیروزه و نقاط مرزی ملغی شد و مناطق سرحدی براساس قرارداد ۱۳۱۰ ق. / ۱۸۹۳ م. تعیین و تحدید گردید. بنابراین، ایران براساس بند ب ماده دوم قرارداد جدید، حاکمیت روس‌ها بر فیروزه را به این شکل به رسمیت شناخت: «خط مرز قریه فیروزه و اراضی اطراف آن را در حدود خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باقی گذارده است.» (وحیدمازندرانی، ۱۳۴۹:



۱۱۶). در ازای واگذاری فیروزه و برخی نقاط سرحدی کم اهمیت تر در مناطق شرق دریای مازندران، براساس بند الف ماده چهارم دولت شوروی متعهد گردید ظرف مدت ۲ هفته پس از امضای قرارداد، بدهی ۱۱ تن طلای خود را به بانک ملی ایران تحویل دهد (همان). بنابراین، پس از هفت دهه کش و قوس بر سر فیروزه، در نهایت منطقه بیلاقی و استراتژیک فیروزه برای همیشه از ایران منتزع گردید.

### بررسی و ارزیابی

توسعه طلبی ارضی روس‌ها از ابتدای قرن ۱۳ ق.م. در سرزمین‌های شمال ایران شروع گردید. روس‌ها نخست در غرب دریای مازندران طی دو دوره جنگ، براساس عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، ایالات قفقاز تا مرز ارس را از ایران جدا نمودند. در مناطق دریای مازندران و آسیای مرکزی، به بهانه برقراری نظم و امنیت، مقاصد توسعه طلبانه خود را در این مناطق تعقیب کردند. بنابراین، در سال ۱۲۹۹ ق.م. ۱۸۸۱ بر اساس معاهده آخال، مرزهای جنوبی روسیه را تا سرحدات کنونی ایران گسترش دادند. اما تعیین و تحدید دقیق خطوط مرزی بین دو کشور هم چنان لاینحل باقی ماند. از جمله نقاط مهمی که تعیین تکلیف آن تا بیش از هفتاد سال بخشی از مناسبات ایران و روسیه را به خود اختصاص داد، مسئله قریه فیروزه بود. فیروزه از نظر منابع آبی و موقعیت نظامی، منطقه‌ای مهم بود که در دامنه‌های شمالی کوه کوپه داغ امروزی قرار دارد و تسلط ایران بر فیروزه به معنای احاطه بر آن کوه‌ها بود.

امروزه این قریه در فاصله ۱۲ کیلومتری از خاک ایران قرار دارد و کوه کوپه داغ در خاک ترکمنستان واقع شده است که حدود ۵۰ کیلومتر با عشق‌آباد، پایتخت کشور ترکمنستان فاصله دارد. به جهت اهمیت ژئوپلیتیکی فیروزه، چندین عهدنامه، مقاله‌نامه و قرارداد با موضوع قریه مزبور بین ایران و روس منعقد گردید که مالکیت بر آن به طور متناوب بین ایران و روسیه بر روی کاغذ دست به دست می‌گشت؛ اما عملاً فیروزه هیچ‌گاه بعد از معاهده آخال تحت تصرف ایران نبود. در مجموع ۵ قراردادی که به مسائل ارضی ایران و روس از ۱۲۹۹ ق.م. ۱۸۸۱ تا ۱۳۳۳ ش.م. ۱۹۵۴ م. پرداخته شد، در سه مورد از این قراردادها - ۱۲۹۹ ق.م. ۱۸۸۱، ۱۲۹۹ ش.م. ۱۹۲۱ و ۱۳۰۴ ش.م. ۱۹۲۶ - حق حاکمیت ایران بر فیروزه به رسمیت شناخته شد و در دو قرارداد - ۱۳۱۰ ق.م. ۱۸۹۳ و ۱۳۳۳ ش.م. /



۱۹۵۴ م. حاکمیت روس‌ها به تصویب رسید. بنابراین، منطقه ییلاقی و استراتژیک فیروزه پس از هفت دهه مناقشه مرزی، به دلیل سیاست‌های استعماری و توسعه طلبانه روس‌ها، از ایران جدا شد. در حالی که حقانیت حاکمیت ایران بر این قریه بر طبق مستندات ارائه شده و قراردادهای منعقد شده حتی برای روس‌ها نیز مسلم بود. شایان ذکر است، امروزه، فیروزه مهم‌ترین و شاید تنها منطقه ییلاقی و توریستی عشق‌آباد است که حتی اقامتگاه تابستانی و تعطیلاتی رئیس‌جمهور ترکمنستان در این منطقه قرار دارد.

### منابع

- احمدی‌اختیار، مهدی (۱۳۹۲). بررسی معاهدات و امتیازات بین ایران و روسیه از ابتدای دوره قاجار تا مشروطه، تهران: راشدین.
- اداره انتشار اسناد وزارت خارجه (۱۳۷۲). اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران: وزارت امور خارجه.
- اسناد روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (۱۳۷۴). به کوشش محمود طاهراحمدی، تهران: سازمان ملی اسناد.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- پالمر، روزول (۱۳۸۳). تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.
- خورموجی، محمد (۱۳۴۴). حقایق‌الآخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوجم، تهران: زوار.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). تاریخ معاصر یا حیات یحیی، تهران: فردوسی.
- روزنامه ایران، مهر ۱۳۰۲، شماره ۱۱.
- طاهراحمدی، محمود (۱۳۸۴). روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه، تهران: وزارت امور خارجه.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴). روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: کتابهای جیبی.



بررسی روند جدایی قریه فیروزه از عهدنامه آخال ...

- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۱). *غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت ۱۹۴۸ - ۱۹۱۸ م*، ترجمه حورا یاوری، تهران: ابن سینا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه*، تهران: زوار.
- مکی، حسین (۱۳۶۲). *تاریخ بیست ساله ایران*، تهران: نشر.
- مکی، حسین (۱۳۶۳). *زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه*، تهران: امیرکبیر.
- منشورگرگانی، محمدعلی (۱۳۶۸). *رقابت شوروی و انگلیس در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶*، به اهتمام محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطائی.
- نوازنی، بهرام (۱۳۶۹). *عهدنامه مودت ایران و شوروی*، تهران: همراه.
- وحیدمازندرانی، غلامعلی (۱۳۴۹). *مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت شاهنشاهی ایران تا سال ۱۳۴۹*، جلد اول، تهران: وزارت امور خارجه.
- وحیدمازندرانی، غلامعلی (۱۳۵۰). *عهدنامه های تاریخی ایران*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵). *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.